

# تبیین چرایی موفق نشدن بانکداری مشارکت در سود و زیان

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۲۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۰۸

۱۱۵ مرتضی عزتی\*

## چکیده

بانکداری مشارکت در سود و زیان ایده‌ای است که بانکداری غیر بهره‌ای یا بانکداری اسلامی می‌نامند. با اینکه چند دهه است که درباره آن مطالعات گسترده‌ای انجام شده و در کنار آن بانک‌های بسیاری با عنوان بانک اسلامی یا مشابه آن تأسیس شده و فعالیت کرده‌اند، هنوز این شیوه با مشکلات اساسی روبه‌رو است. به علت وجود این مشکلات، بیشتر بانک‌های اسلامی کوشش کرده‌اند از قراردادهای دیگری استفاده کنند و مشارکت در سود و زیان را کنار بگذارند؛ ولی برای این جایگزینی تبیین نظری ارائه نشده است. هدف این مقاله ارائه یک تبیین علمی برای توسعه نیافتن این ایده است. روش کار تبیین نظری مستدل بر پایه مبانی منطقی با ارائه روش نموداری و ترسیمی است. نتیجه اینکه بر پایه عقلانیت برآیند ترجیحات بانک‌ها و گیرندگان تسهیلات قرارداد مشارکت در سود و زیان در همه حالت‌ها دست کم برای یک طرف منافع کمتری نسبت به قرارداد با سود ثابت ایجاد می‌کند و این عامل اصلی برای دوری از این قراردادها و رفتن به سمت قراردادهای با سود ثابت است. با وجود این اگر ایمان دینی موجب می‌شود افراد قراردادهای غیر ربوی را با درصدی هزینه بیشتر بپذیرند، در این صورت نیز ترجیح مؤمنان بیشتر بر غیر ربوی بودن (نه نوع مشارکتی بودن) قرارداد است.

**واژگان کلیدی:** بانکداری مشارکت در سود و زیان، ایمان، بهره، سود، ربا، بانکداری اسلامی.

**طبقه‌بندی JEL:** G12, G21, E58, E50

## مقدمه و بیان مسئله

یکی از مشکلات بانکداری اسلامی ناموفق بودن بیشتر مؤسسات مالی در زمینه اجرای دقیق بانکداری مشارکت در سود و زیان است. بر پایه برخی دیدگاه‌های ارائه شده، محور اساسی قراردادها در بانکداری اسلامی، قرارداد مشارکت و سهم‌بری در سود و زیان است. بررسی‌ها نشان می‌دهد در کشورهایی که بانکداری غیر بهره‌ای یا موسوم به اسلامی دارند، بیشتر تسهیلات بر پایه قراردادهای با سود ثابت پرداخت می‌شود. در کشورهایی هم که بانکداری دوگانه دارند، همین روال وجود دارد. در این کشورها نرخ‌های سود ثابت تسهیلات بانک‌های اسلامی اندکی بالاتر از نرخ بهره بانک‌های سنتی است و تغییرات آن از تغییر نرخ بهره بانک‌های سنتی تبعیت می‌کند. به سخن دیگر نرخ‌های سود ثابت تسهیلات بانکداری اسلامی به سمت نرخ‌های بهره گرایش دارد و به آن نزدیک می‌شود.

در اینجا می‌خواهیم با یک تحلیل اقتصادی بر مبنای رفتارهای سرمایه‌گذار و بانک به عنوان بنگاه اقتصادی، تبیینی نظری با روش نظریه‌پردازی انتزاعی مبتنی بر فرض‌ها و پیش فرض‌ها ارائه کنیم تا نشان دهد چرا در شرایط وجود قراردادهای رقیب با سود ثابت، مانند فروش اقساطی، مرابحه، جعاله و یا بهره، قراردادهای مشارکت در سود و زیان تحقق نمی‌یابد؟ چارچوب روش را فرض‌ها و پیش فرض‌ها با استدلال و اثبات منطقی همراه با ارائه به روش نموداری و ترسیمی شکل می‌دهد.

برای این بررسی نخست برخی پژوهش‌ها و یافته‌ها درباره مشکلات این نوع بانکداری مرور می‌شود؛ سپس شرایط تحلیل و فرض‌هایی را برای چارچوب تبیین ارائه و پس از آن مدل‌هایی با چند فرض متفاوت مطرح و تبیین و تحلیل لازم ارائه می‌شود.

## پیشینه تحقیق

چند دهه است که در زمینه بانکداری اسلامی مطالعات گسترده‌ای انجام شده و کتاب‌ها و مقاله‌های بسیاری به رشته تحریر در آمده است. در کنار این، بانک‌های بسیاری با عنوان‌های بانک اسلامی یا مشابه آن تأسیس شده و فعالیت کرده‌اند. با وجود فعالیت‌های گسترده

مطالعاتی و اجرایی، هنوز این بانک‌ها با چالش‌های اساسی روبه‌رو هستند. به باور بسیاری از اندیشمندان که در این زمینه نظر داده‌اند، محور اصلی بانکداری اسلامی، مشارکت در سود و زیان است. همان‌طور که نظری (۱۳۸۷، ص ۶۳-۷۹) بیان می‌کند بانک‌ها و مؤسسه‌های مالی اعتباری اسلامی بر اساس نظریه «مشارکت در سود و زیان» تأسیس شدند. نگاهی به مطالعات در این زمینه نشان می‌دهد، بیشتر این بانک‌ها نتوانسته‌اند مبنای فعالیت خود را قراردادهای مشارکت در سود و زیان قرار دهند و حجم عمده تسهیلات آنها قرارداد با سود ثابت است و بسیاری از قراردادهای مشارکت نیز یا صوری است یا به قرارداد با سود ثابت تبدیل می‌شود؛ به گونه‌ای که داده‌های بانک مرکزی نشان می‌دهد در سال ۱۳۷۰ حدود ۳۲ درصد از تسهیلات بانک‌ها با عنوان قرارداد مشارکت (حقوقی و مدنی) بوده است و پس از دوره ساخت همه مبلغ تسهیلات به قرارداد سود ثابت تبدیل شده است و بقیه تسهیلات بانک‌ها (غیر از قرض‌الحسنه) نیز از آغاز با قرارداد سود ثابت پرداخت شده است. این سهم در سال‌های بعد کاهش یافته است؛ به طوری که در سال‌های ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰ قراردادهای با عنوان مشارکت حدود ۲۰ درصد بوده است، البته برخی از سال‌ها نیز بسیار کمتر بوده است (بانک مرکزی، ۱۴۰۲).

صادقیان و همکاران (۱۳۹۷، ص ۴۵۱-۴۶۶) نشان می‌دهند که بانک‌ها با قراردادن شرط‌هایی در قراردادهای مشارکت، مسئولیت‌های مشارکت را از خود سلب می‌کنند و قرارداد را به یک قرارداد بدون مسئولیت و ریسک با سود معین تبدیل می‌کنند. نظری (۱۳۸۷، ص ۶۳-۷۹) می‌نویسد در فعالیت‌های بانکداری اسلامی حاشیه سود فروش اقساطی با نرخ‌های بهره رایج هماهنگ می‌شود. گاهی به تبع اعتبار مشتری از نظر مالی و اعتماد بانک به وی، اندکی کم‌وزیاد می‌شود و تناسبی با حاشیه سود در بازار واقعی کالاها ندارد.

تسهیلات بانک‌های اسلامی در کشورهای دیگر نیز بر پایه قراردادهای با سود ثابت به‌ویژه فروش اقساطی پرداخت می‌شود؛ برای نمونه بانک اسلامی مالزی که بزرگ‌ترین مؤسسه مالی اسلامی این کشور است در سال ۲۰۲۲م همه تسهیلات خود را در قالب قراردادهای با سود ثابت پرداخته که بیش از ۹۲ درصد آن در قالب فروش اقساطی، حدود ۴٫۵ درصد بیع ثمن و

۳ درصد مرابحه بوده است (Bank Islam Malaysia Berhad, 2023, p.66-67). دیگر بانک‌های اسلامی مالزی نیز مانند این بانک هستند. جالب این است که نرخ‌های سود تسهیلات این بانک‌های اسلامی، اندکی بیش از نرخ‌های بهره بانک‌های سنتی فعال در مالزی است.\*

ویدارجونو و رفیقی (Widarjono & Rafik, 2023, p.10-17) در بررسی بانک‌های دو کشور مالزی و اندونزی - که هر دو نظام بانکداری دوگانه دارند - به این نتیجه رسیده‌اند که تغییرات نرخ سود بانک‌ها و مؤسسه‌های مالی اسلامی از نرخ‌های بهره بانک‌های سنتی تبعیت می‌کند؛ ولی این تبعیت در زمان کاهش نرخ‌های بهره، بیشتر از زمان افزایش نرخ‌های بهره است. علت نیز آن است که نرخ‌های تسهیلات بانک‌های اسلامی بالاتر و غیررقابتی است. همچنین یافته‌های آنها نشان می‌دهد که در یک نظام بانکداری دوگانه، وام‌گیرندگان بانک‌های اسلامی، سودمحورانه عمل می‌کنند؛ به این صورت که اگر نرخ بهره بانک‌های سنتی کمتر از نرخ سود بانک‌های اسلامی باشد، از بانک‌های سنتی تسهیلات دریافت می‌کنند.

با وجود این، مطالعات نشان می‌دهد مشکلات بانکداری مشارکت در سود و زیان موجب شده بسیاری از مشتریان و بانکداران تمایلی به آن نداشته باشند. در این زمینه *الجمال* (۱۳۸۲، ص ۱۰۹) به نقل از خورشید/احمد می‌نویسد: «واقعیت غم‌انگیز این است که با وجود اعتراف همه به حرمت و ممنوعیت ربا، حتی یک کشور اسلامی وجود ندارد که نهادهای مالی خود را بدون بهره اداره کند. حقیقت این است که هیچ کس نمی‌داند چگونه این امر انجام می‌شود. هنگامی که فشارهای سیاسی بالا می‌رود آنها (نهادهای) به برخی راه‌های فرار متوسل می‌شوند. ... ادعا می‌کنیم که بهره را از بین می‌بریم، ... معلوم نیست چه کسی را فریب می‌دهیم».

در کشورهای غربی نیز بانک‌ها نخست برای به‌دست آوردن بازار بزرگ‌تر، واحدهایی را با عنوان بانکداری مشارکت در سود و زیان یا بانکداری اسلامی فعال کردند، ولی به علت هزینه‌ها و ریسک بالا و در برخی موارد استقبال محدود، این فعالیت‌ها کاهش پیدا کردند. در

\*. برای نمونه به گزارش‌های سالانه بانک‌های زیر مراجعه شود.

Bank Muamalat Malaysia: <https://www.muamalat.com.my>

Bank Negara Malaysia: <https://www.bnm.gov.my>

Hong Leong Islamic Bank Berhad: <https://www.hlisb.com.my/en/personal-i/home.html>

CIMB: <https://www.cimbclicks.com.my>

Al Rajhi Bank Malaysia: <https://www.alrajhibank.com.my>

این زمینه دیکسون (۱۹۹۲) می‌گوید غرب در نگرش مثبت به نیازهای بانک‌های اسلامی شکست خورده است (به نقل از اکبریان و رفیعی، ۱۳۸۶، ص ۹۸).

مشکلات و چالش‌های بسیاری در راه بانکداری مشارکت در سود و زیان که به نام بانکداری غیر بهره‌ای یا اسلامی مطرح شده، وجود دارد که موجب شده است بانکداری سهم‌بری در سود و زیان نتواند چندان موفق باشد. البته باید گفت که این نام‌گذاری می‌تواند از مبنا اشتباه باشد که سهم‌بری در سود و زیان را بانکداری اسلامی بنامیم و شکست آن را به شکست اسلام نسبت بدهیم. یادآوری این نکته نیز مفید است که هیچ یک از این قراردادها ابداع اسلام نیست و همه آنها پیش از اسلام و حتی میان کافران جاری بوده است. برای روشن‌تر شدن علت‌های موفق نشدن این شیوه بانکداری، مشکلات و چالش‌های آن که در مطالعات مختلف بیان شده، مرور می‌شود؛ البته نمونه‌ای از این مطالعات اشاره می‌شود. مطالعات دیگر مشکلات مشابهی را بیان کرده‌اند.

این مشکلات موجب شده است که بسیاری از بانکداران حتی در کشورهای اسلامی که از بانکداری یگانه اسلامی برخوردارند و الزام قانونی در این زمینه دارند، ترجیح دهند در قراردادهای پرداخت تسهیلات و نیز سپرده‌گیری از مشتریان، قرارداد سود ثابت را برگزینند. همچنین بسیاری از مشتریان این بانک‌ها حتی در جوامع اسلامی و مسلمانان با وجود الزامات اعتقادی، برای انجام عملیات بانکی خود بانک‌های سنتی را ترجیح دهند. بررسی‌های میدانی نشان می‌دهد حتی در هنگام مراجعه به بانک‌های اسلامی ترجیح می‌دهند سپرده بی‌ریسک و با سود ثابت را برگزینند (Ezzati, 2019, p.1074-1090).

نظری (۱۳۸۷، ص ۶۳) بیان می‌کند بانک‌ها و مؤسسه‌های مالی اعتباری اسلامی بر اساس نظریه «مشارکت در سود و زیان» تأسیس شدند. این نظریه در ساحت اجرا و عمل با چالش‌ها و مشکل‌هایی جدی چون اشتقاق نرخ‌های سود بانک‌های اسلامی از نرخ‌های بهره بین‌المللی، تعیین نرخ سود معین برای سرمایه، خطر اخلاقی متقاضیان تسهیلات، تأخیر بازپرداخت بدهی‌ها، فقدان راهکار مناسب جهت تأمین مالی دولت و فقدان زیرساخت‌های نهادی روبه‌رو شد.

سارکر (Sarker, 2004a) ایرادهای زیر را بر بانکداری اسلامی (سهم‌بری سود و زیان)

وارد می‌داند:

- بانک‌های اسلامی هنوز در طراحی سازوکار بدون بهره، برای سپرده‌های کوتاه مدت موفق نشده‌اند.
  - توان تأمین مالی همه نیازهای مشتریان را ندارند.
  - امکان تأمین مالی کسری دولت در این سیستم وجود ندارد.
  - در بانک‌های اسلامی که بر پایه سهم‌بری سود و زیان قرار دارد، ریسک بسیار بالاست؛ درحالی‌که بانک‌ها به دنبال بازدهی ثابت و مطمئن هستند. در نتیجه بانک‌ها نتوانسته‌اند بهره را حذف کنند و فقط به صورت ظاهری، نام‌گذاری قراردادهای و مبادله‌ها عوض شده است.
- سارکر (Sarker, 2004b) بیان می‌کند بانک‌های اسلامی در بنگلادش با گونه‌های متفاوتی از ریسک نسبت به بانک‌های تجاری سنتی روبه‌رو هستند که به بازدهی پایین این بانک‌ها انجامیده است (به نقل از اکبریان و رفیعی، ۱۳۸۶، ص ۱۰۰-۱۱۴).
- کمیته بازل ریسک دارایی‌های بانک‌های اسلامی را بالاتر می‌داند. بررسی‌های این کمیته نشان می‌دهد سه عامل اصلی برای بالابودن ریسک نقدینگی در بانک‌های اسلامی وجود دارد:
۱. کمبود بازارهای ثانویه برای دارایی‌های مالی قراردادهای مشارکت این بانک‌ها؛
  ۲. وجود سپرده‌های کوتاه‌مدت با وجود قراردادهای مشارکت سرمایه‌گذاری بلندمدت
  ۳. نبود منبع غیر بهره‌ای برای قرض‌گرفتن در مواقع نیاز فوری (بانک مرکزی غیرربوی)
- (به نقل از اکبریان و رفیعی، ۱۳۸۶، ص ۱۰۲).
- کاظمی‌نژاد (۱۳۸۸، ص ۳۹) بیان می‌کند که بانک‌های اسلامی در تأمین نقدینگی به علت‌های زیر با مشکل زیادی روبه‌رو هستند:
- دادن تسهیلات سرمایه‌گذاری بلندمدت و جذب منابع (سپرده‌های) کوتاه و میان‌مدت؛
  - نبود بازار ثانویه فعال برای تسهیلات پرداختی؛
  - پایین بودن قدرت نقدشوندگی دارایی‌های مالی این بانک‌ها به علت وجود برخی مشکلات فقهی و اجرایی؛
  - ممنوعیت سرمایه‌گذاری با ابزارهای مبتنی بر بهره؛
  - معاملات مبتنی بر مالکیت دارایی حقیقی؛
  - نبود بازار سرمایه و پول مناسب.

کاربهراری و همکاران (Karbhari, Kamal, Zerrin, 2004, p.525) مشکلات بانکداری اسلامی را این گونه بیان می‌کند:

در این شیوه بانکداری قراردادهای مشارکت دو ریسک دارند:

- ریسک اخلاقی مشتریان در اعلام زیان غیرواقعی یا سود کمتر از واقعیت؛
- ریسک تجاری ناشی از عوامل بازار که می‌تواند موجب زیان فعالیت اقتصادی مشارکتی شود.

در بانکداری اسلامی ریسک به‌طور کامل به سپرده‌گذاران منتقل می‌شود.

مشکل دیگر این نظام، چگونگی تعیین سهم سود و زیان و تقسیم آن بین سپرده‌گذاران به‌ویژه در سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت مشارکتی است؛ چون بازده سرمایه‌گذاری در زمان‌های مختلف نوسان دارد، محاسبه دشوار و فرایند ارزشیابی پرهزینه می‌شود.

بانکداری سنتی، تعهد مبلغی ثابت را برای سپرده‌گذاران در نظر می‌گیرد که در بانکداری مشارکت در سود و زیان در نبود بیمه سپرده، ارزش این دارایی‌ها می‌تواند کمتر از ارزش اصل آن شود و برای سپرده‌گذار زیان ایجاد شود. با یک شکست در این زمینه ممکن است وحشت مالی میان سپرده‌گذاران ایجاد شود و بی‌ثباتی مالی ایجاد کند. این شرایط در سرمایه‌گذاری پروژه‌های پرریسک بیشتر است. بیمه‌کردن سپرده‌ها، مشکل را کاهش می‌دهد، ولی افزایش هزینه و ناکارایی ایجاد می‌کند.

هزینه‌های تنظیم و تحکیم قراردادها در بانک‌های اسلامی بیشتر و کنترل آن دشوارتر است. این هزینه‌ها کارایی آن را کاهش می‌دهد.

میرمعزی (۱۳۸۴، ص ۵۷) از قول منتقدان بانکداری اسلامی می‌نویسد در بانکداری اسلامی ابزارهای سیاست‌گذاری سنتی بانک مرکزی (توان خلق اعتبار) برای تأمین نیازهای زیر بی‌اثر می‌شوند:

- تأمین حداقل ذخیره نقدی مورد نیاز؛
- تأمین نیازهای نقدینگی؛
- تعیین سقف اعتبار کل برای پرداخت تسهیلات بانک‌ها؛
- تأمین مالی بخش‌های خاص (کم‌بازده)؛
- نبود بازار سرمایه برای تأمین نیازهای کوتاه‌مدت و یا سرمایه‌گذاری مازادهای کوتاه‌مدت.

نظریور و اولاد (۱۳۹۷، ص ۱۹۱-۱۹۲) کژمنشی و کژگزینی را دو مشکل مهم بانکداری اسلامی می‌دانند و بیان می‌کنند در قراردادهای مبادله‌ای احتمال وقوع کژگزینی بیش از کژمنشی است؛ ولی در قراردادهای مشارکتی احتمال وقوع هر دو وجود دارد و بانک‌ها در قراردادهای مشارکتی به مراتب بیشتر از قراردادهای مبادله‌ای با آن روبه‌رو هستند. عوامل ایجاد اینها نیز نبود اطلاعات، نبود کارشناس خبره و ناشناخته‌بودن ویژگی‌های مشتری است. کریمی و مرادی (۱۳۹۴، ص ۳۹-۷۰) در بررسی «سوءاستفاده از شروط قراردادهای مشارکت مدنی در بانکداری اسلامی و مطالعه تطبیقی با آموزه‌های دایرکتیو اتحادیه اروپا» موارد سوءاستفاده را چنین بر می‌شمارند:

**نخست، سوءاستفاده از شروط مغایر با ماهیت عقد مشارکت مدنی:**

- سوءاستفاده از شروط مغایر با تملیکی بودن عقد مشارکت مدنی؛
- سوءاستفاده از شروط مغایر با مشاع‌بودن در مالکیت؛
- سوءاستفاده از شروط مغایر با پذیرش زیان و تضمین سرمایه.

**دوم، سوءاستفاده از شروط مغایر با آثار لازم مشارکت مدنی:**

۱. سوءاستفاده از شروط مغایر با نحوه تصرف در مشارکت مدنی:

- نیابت در تصرف و اداره شرکت (مادی)؛
- فروش و اجاره (حقوقی) (مشارکت مانع فروش یا اجاره‌دادن توسط بانک می‌شود).

۲. سوءاستفاده از شروط مغایر با نحوه پایان مشارکت مدنی:

- شرط جواز مشاع‌بودن است و شریک نمی‌تواند یک‌طرفه آن را بر هم بزند؛
- شروط تقسیم مال مشاع پس از پایان مشارکت؛
- سوءاستفاده از شروط مغایر با تقسیم سود.

۳. سوءاستفاده در قراردادهای مشارکت مدنی از طریق آموزه‌های دایرکتیو ۹۳/۱۳ اتحادیه اروپا:

- مفهوم شروط تحمیلی در قرارداد مشارکت مدنی؛
- مصادیق شروط تحمیلی در قرارداد مشارکت مدنی.

موسویان (۱۳۸۶، ص ۱۱-۱۲) بیان می‌کند که می‌توان مشکل‌ها و نارسایی‌های بانکداری

اسلامی را بر مبنای منشأ نارسایی در چند گروه طبقه‌بندی کرد:



قانون عملیات بانکی بدون ربا، انتخاب الگوی نامناسب برای عملیاتی کردن قانون، عدم تناسب ساختار و سازمان عملیاتی بانکها با قانون، آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های اجرایی، عدم آموزش درست کارکنان و مشتریان، عدم اعتقاد یا عدم اهتمام مسئولان و کارگزاران نظام بانکی، دولتی بودن نظام بانکی و عدم امکان رقابت صحیح بین بانکها، وضعیت خاص اقتصادی و دخالت‌های بیش از حد دولت در بانکها.

۱۲۴

وی مشکلات هر یک از این طبقه‌ها را نیز به صورت ریز بیان می‌کند.

نصرآبادی و شعبانی (۱۳۸۷، ص ۸۵-۸۹) چالش‌های بانک را در اجرای قرارداد مشارکت در سود و زیان این‌گونه بیان می‌کنند: لزوم نظارت و وجود اطلاعات نامتقارن، کژگزینی، اعتماد به گزارش سود و زیان و خطر اخلاقی و ریسک بازار و تغییر شرایط اقتصادی. عبداللهی و موسویان (۱۳۹۲، ص ۱۲۰-۱۲۲) بخشی از مشکلات بانکداری اسلامی در ایران را چنین برشمردند: آشنا و آگاه نبودن طرفین معامله (کارگزاران و مشتریان) به شرایط قراردادها، صوری عمل کردن بانک، نبود راهکار مناسب برای نظارت و کنترل شرعی فعالیت بانک، مشکل ناباوری به مقررات، لزوم جبران خسارت بانک از طرف عامل، جایز بودن عقد مضاربه و محاسبه جداگانه نشدن هزینه‌های معاملات و کسر آن از سود.

مجتهد و حسن‌زاده (۱۳۸۴) مشکل‌های بانکداری بدون ربا در ایران را چنین برمی‌شمارند:

- صوری بودن بخشی از عملیات بانکی به علت تبدیل شدن عملیات بانکی به قراردادهای معاملاتی؛
- پایین بودن گرایش بانکها به مشارکت در پروژه‌ها و گرایش بیشتر به قراردادهای معاملاتی مانند فروش اقساطی؛
- نبود نظام حسابداری کارآمد و استاندارد؛
- تفکیک نشدن منابع سپرده‌گذاران از منابع بانکی و به تبع آن پرداخت نشدن سود واقعی به سپرده‌گذاران؛
- تمایل نداشتن بانک به پذیرش ریسک سرمایه‌گذاری و مشارکت در سرمایه‌گذاری؛
- نبودن روش مناسب برای تمدید زمان بازپرداخت تسهیلات؛
- ضعف نظام نظارتی و بازرسی؛
- ضعف توان کارشناسی در بانکها برای تشخیص طرح‌های دارای بازده بالا؛

- نپذیرفتن اسلامی بودن بانک از سوی جامعه؛
  - محدودیت‌های نبود اطلاعات برای دادن تسهیلات.
- احمدی‌حاجی‌آبادی و بهاروند (۱۳۸۹، ص ۱۲۷-۱۲۹) مشکلات بانکداری در اجرای قراردادهای مشارکتی را چنین بیان می‌کنند:
- ریسک بالای فضای کسب‌وکار؛
  - انعطاف‌ناپذیری نظام حسابداری رایج؛
  - فشارهای سهامداران بانک برای سودآوری بیشتر؛
  - فشارهای سپرده‌گذاران برای دریافت سودهای بالاتر؛
  - نبود سپرده‌هایی با عنوان سپرده‌های مشارکتی؛
  - مشکل نظارت.

بررسی‌های گسترده‌ای به یافته‌هایی مانند این بررسی‌ها رسیده‌اند. بر پایه این بررسی‌ها می‌توان این نتیجه را گرفت که مشکلات بسیاری در راه اجرای آنچه بانکداری مشارکت در سود و زیان نامیده می‌شود وجود دارد که تمایل بانکداران، سپرده‌گذاران و در بسیاری از موارد گیرندگان تسهیلات را به گونه‌ای تغییر می‌دهد که در صورت انجام رفتار عقلانی، بانک‌های اسلامی برای جذب سپرده و دادن تسهیلات به سمت قراردادهای با سود ثابت بروند. با وجود بررسی‌های گسترده‌ای که به وجود مشکلات پرداخته‌اند، تاکنون تبیینی از چرایی و چگونگی شکل‌دهی این تمایل به رفتار افراد و بانکداران نپرداخته است. این تبیین موضوعی است که در این مقاله در یک چارچوب نظری تبیین می‌شود. در ادامه به تبیین این چارچوب پرداخته می‌شود.

### شرایط تحلیل

در اینجا چند پیش‌فرض بیان می‌شود که با واقعیت‌ها منطبق باشد و تحلیل بر پایه آن انجام گردد. برای تحلیل بهتر نخست یک حالت ساده با نظام بانکداری یگانه غیر بهره‌ای و سپس حالت نظام دوگانه در نظر گرفته و تحلیل و مدل بر پایه هر حالت ارائه می‌شود. در ادامه اثر ایمان بر تصمیم سرمایه‌گذاران و نرخ قراردادهای تحلیل می‌گردد.

## پیش فرض ها

۱. بانک بنگاه اقتصادی است و منابع آن برای دادن تسهیلات یا متعلق به بانک یا سپرده سپرده گذارانی است که بانک نماینده آنهاست و تعهد دارد منافع آنها را حداکثر کند.
۲. سرمایه گذاران می توانند سود و بازده سرمایه گذاری خود را پیش بینی کنند.
۳. سرمایه گذاران برای تأمین مالی بخشی از (همه) پروژه خود به بانک مراجعه می کنند.
۴. محدودیتی برای دادن و گرفتن تسهیلات وجود ندارد.
۵. سرمایه گذاران و بانکها در انتخاب نوع قرارداد تأمین مالی پروژه، اختیار انتخاب دارند.

۱۲۵

## مدل ها و تحلیل

در هر حالت، نخست شرایط و فرض های آن توضیح داده و سپس مدل و تحلیل چگونگی توافق درباره نوع قرارداد و نرخ سود و بهره تسهیلات ارائه می شود.

### ۱. حالت یک: وجود یک نوع بانک غیر بهره ای با دو نوع قرارداد تسهیلات

الف) قرارداد مبادله ای با نرخ سود ثابت (مانند فروش اقساطی ماشین آلات و مواد اولیه، جعاله ساخت، اجاره به شرط تملیک، مرابحه، استصناع)؛

ب) قرارداد مشارکت (سهام بری) در سود و زیان.

نمودار (مدل) ۱ را در نظر می گیریم که در آن داریم:

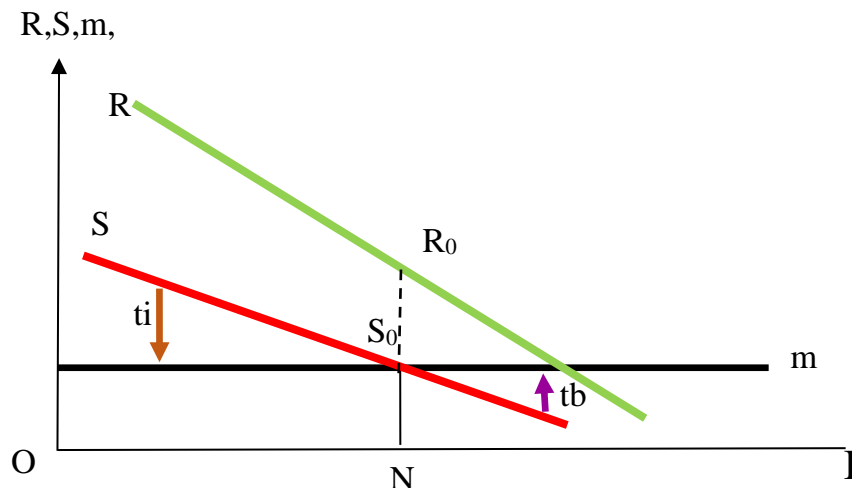
R: نرخ سود (بازده) سرمایه گذاری سرمایه گذاران (عاملان) مختلف به ترتیب از زیاد به کم؛

S: سهم بانک از سود سرمایه گذاری در قراردادهای تسهیلات مشارکت (مانند ۵۰ درصد سود)؛

R-S: سهم سرمایه گذار (عامل) از سود سرمایه گذاری در قرارداد تسهیلات مشارکت؛

m: نرخ سود قرارداد تسهیلات با سود ثابت؛

I: سرمایه گذاری.



نمودار ۱: مدل همگرایی نرخ سود بانکی در حالت بانکداری یگانه غیر بهره‌ای

### تحلیل

بانک سپرده‌گیری و پرداخت تسهیلات با نرخ بهره ندارد و تنها با دو نوع قرارداد مشارکت در سود و زیان و قرارداد مبادله‌ای (با نرخ سود ثابت) تسهیلات پرداخت می‌کند. نرخ ثابت سود تسهیلات قراردادهای مبادله‌ای برای دادن تسهیلات برابر  $m$  است. محور عمودی نیز نرخ بازده و نرخ سود را نشان می‌دهد. محور افقی نیز پروژه‌های سرمایه‌گذاری را به ترتیب از بالاترین بازده (سمت چپ) تا پایین‌ترین بازده (سمت راست) مرتب کرده است؛ به گونه‌ای که منحنی (خط)  $R$  نرخ بازده سرمایه‌گذاری‌های سرمایه‌گذاران مختلف را به ترتیب از زیاد به کم نشان می‌دهد. بانک با دادن تسهیلات بر پایه قرارداد مشارکت در سود و زیان، بخشی یا نسبتی از بازده (سود) سرمایه‌گذاران را دریافت می‌کند. سهم بانک از بازده با منحنی  $S$  نشان داده شده است؛ یعنی بانک مقدار فاصله محور افقی تا خط  $S$  را به عنوان سهم سرمایه از بازده سرمایه‌گذاری درخواست می‌کند. مانده بازده برای سرمایه‌گذاران فاصله  $R$  و  $S$  است؛ به گونه‌ای که در مقدار  $N$  سهم بانک از قراردادهای مشارکت در سود و زیان، برابر نرخ سود ثابت تسهیلات مبادله‌ای ( $m$ ) است.

از آغاز سرمایه‌گذاری‌ها تا قبل از نقطه  $N$  برای سرمایه‌گذاران هزینه پرداختی به بانک در قراردادهای مشارکت، بیش از قراردادهای سود ثابت است. اگر فرض کنیم سرمایه‌گذار آزاد است قرارداد دریافت تسهیلات خود را به صورت مبادله‌ای یا مشارکت در سود و زیان ببندد،

منطقی است در این محدوده هیچ سرمایه‌گذاری حاضر نباشد تسهیلات مشارکت بگیرد. همه تسهیلات با نرخ سود ثابت را ترجیح می‌دهند و از این نوع تسهیلات دریافت می‌کنند؛ ولی پس از نقطه  $N$  همه سرمایه‌گذاران تمایل دارند از طریق قرارداد مشارکت تسهیلات از بانک بگیرند؛ چون هزینه پرداختی آنها به بانک در مشارکت کمتر از قرارداد سود ثابت است. در طرف دیگر بانک است که تا نقطه  $N$  تمایل دارد قرارداد مشارکت داشته باشد - البته به شرط برابری ریسک در دو نوع قرارداد و ثبات دیگر شرایط - و پس از آن نقطه، قرارداد مبادله‌ای (سود ثابت به نرخ  $m$ ) را ترجیح می‌دهد.

اگر دو طرف برای نوع قرارداد آزاد باشند و اطلاعات کامل داشته باشند، این تناقض منافع، موجب می‌شود هیچ‌گاه در بازار، ترجیحات دو طرف برای بستن قرارداد مشارکت قبل و بعد از نقطه  $N$  با هم منطبق نشود و در نتیجه در دو دامنه دو طرف  $N$  قرارداد منعقد نشود. تنها نقطه توافق دو طرف بر نرخ مشارکت نقطه  $N$  است. در این نقطه  $(N)$  سود بانک (هزینه سرمایه) در دو نوع قرارداد برابر هم هستند و  $m=S_0$  یعنی برای طرفین سود و هزینه این دو نوع قرارداد یکی است.

- اما اگر هزینه ریسک را به آن بیفزاییم. این نقطه نیز تحقق نمی‌یابد؛ سرمایه‌گذار اطلاعات دقیق‌تری از سود خود دارد، ولی بانک، اطلاعات کمتری از وضعیت مالی سرمایه‌گذاری دارد. در این حالت برای بانک ریسک (نبود اطلاعات) قرارداد مشارکت نسبت به قرارداد با سود ثابت بیشتر است. اگر بانک سود و ریسک را روی هم در نظر بگیرد، در نقطه  $N$  نیز قرارداد سود ثابت را ترجیح می‌دهد. پس در این نقطه نیز تمایل‌ها برای قرارداد مشارکت در سود و زیان، منطبق نیست و توافق برقرار نمی‌شود.

- اگر بانک با پیشنهاد نرخ بالاتر بخواهد هزینه ریسک را بر عهده سرمایه‌گذار بیندازد، سرمایه‌گذار تا جایی آماده پذیرش خواهد بود که هزینه پرداختی کمتر از هزینه واقعی ریسک باشد؛ چون بانک اطلاعات کمتری دارد ممکن است خطا کند، برای جبران ریسک این خطا، نرخ بیشتری از هزینه ریسک را پیشنهاد خواهد داد. اگر نرخ بیشتر باشد سرمایه‌گذار نخواهد پذیرفت. تنها در صورتی می‌تواند توافق رخ دهد که دقیقاً هزینه ریسک بر عهده سرمایه‌گذار بیفتد که این برابر همان نرخ ثابت خواهد بود. اگر

اطلاعات کامل برای دو طرف وجود داشته باشد، قرارداد مشارکت دقیق برابر نرخ سود ثابت، سهم خواهد داد.

- بنابراین اگر فرض کنیم اطلاعات نامتقارن است و یا ریسک دو نوع قرارداد متفاوت است، با فرض‌های یادشده در صورت وجود دو بازار یا دو نوع قرارداد تأمین مالی، قرارداد مشارکت طرفین را راضی نخواهد کرد و قرارداد مشارکت منعقد نخواهد شد.
- اگر فرض کنیم اطلاعات نامتقارن است و کژمنشی در سرمایه‌گذار وجود دارد، آن‌گاه ممکن است پیشنهاد غیرواقعی ارائه شود و در صورت پذیرش بانک، بانک و سپرده‌گذاران زیان خواهند دید و مشکل یادشده، یعنی اثر این شکست بر بی‌ثباتی بازار رخ می‌دهد. با توجه به اینکه بانک رفتار عقلانی دارد و بدون اطلاعات کامل به هیچ شیوه‌ای نمی‌تواند این ریسک را صفر کند، برای حذف این ریسک کژمنشی، هیچ‌گونه تمایلی برای قرارداد مشارکت نشان نخواهد داد؛ در نتیجه مانند آنچه امروز در بانک‌های اسلامی می‌بینیم، ترجیح آن خواهد شد که قرارداد با نرخ سود ثابت بسته شود.

## ۲. حالت دو: وجود بازار بانکی دوگانه: بانک بهره‌ای و بانک غیر بهره‌ای (اسلامی)

همه فرض‌های پیشین برقرار است. تنها تفاوت دو فرض افزوده شده زیر است:

۱. دو نوع بانک داریم:

الف) بانک غیر بهره‌ای برای دادن تسهیلات دو نوع قرارداد دارد:

- قرارداد مبادله‌ای (نرخ سود ثابت)؛

- قرارداد مشارکت (سهم‌بری).

ب) بانک سنتی با نرخ بهره ثابت برای دادن تسهیلات.

۲. همه افراد ایمان دینی حداقل و برابری دارند که خود را مقید به رعایت احکام می‌دانند،

ولی درباره بهره بانکی دو دیدگاه دارند.

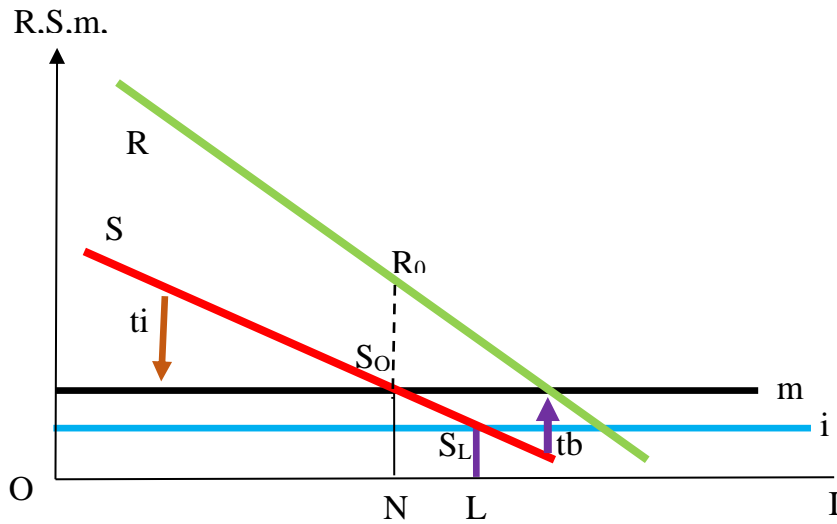
الف) یک دسته بهره بانکی را ربا نمی‌دانند و در نتیجه آن را حرام نمی‌شمارند. اگر

سرمایه‌گذار باشند، آمادگی دارند از بانک‌های بهره‌ای، تسهیلات دریافت کنند.

ب) دسته دیگر، بهره بانکی را ربا و حرام می‌دانند و از بانک‌های بهره‌ای تسهیلات نمی‌گیرند.

## تحلیل

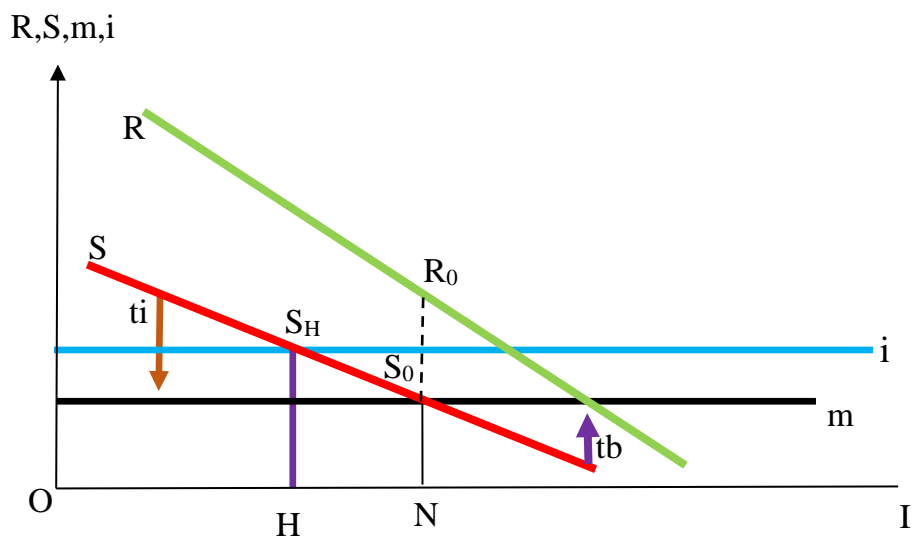
نمودار ۲ را در نظر می‌گیریم. در این نمودار همه نمادها و شرایط نمودار ۱ برقرار است. تنها یک خط  $i$  به آن افزوده شده است که نشان‌دهنده نرخ بهره بانک‌های بهره‌ای است. در تحلیل حالت نخست (بانکداری یگانه) دیدیم که نرخ مورد توافق برای قرارداد مشارکت نیز نرخ و نسبتی خواهد شد که با نرخ سود تسهیلات مبادله‌ای برابر می‌شود، ولی اگر هزینه ریسک را در نظر بگیریم به علت نامتقارن بودن اطلاعات، توافق طرفین برای قرارداد مشارکت دشوار است. بر همین پایه تمایل طرفین به‌ویژه بانک به قرارداد تسهیلات مبادله‌ای خواهد انجامید. حال فرض می‌کنیم نرخ بهره بانک‌های بهره‌ای برابر  $i$  است. با توجه به فرض افراد جامعه، اگر این نرخ کمتر از نرخ سود تسهیلات مبادله‌ای باشد، سرمایه‌گذارانی که از دسته الف هستند، از نقطه  $O$  تا نقطه  $L$  از بانک‌های بهره‌ای با این نرخ تسهیلات دریافت می‌کنند؛ ولی پس از این نقطه تمایل دارند از بانک‌های غیر بهره‌ای (اسلامی) تسهیلات مشارکتی دریافت کنند. اگر این تسهیلات را دریافت کنند، نرخ پایین‌تری به بانک خواهند پرداخت. با توجه به اینکه بانک‌های غیر بهره‌ای می‌توانند منابع خود را با نرخ سود  $m$  تسهیلات بدهند، در صورت آگاهی از بازده این سرمایه‌گذاری‌ها حاضر نخواهند شد این تسهیلات را پرداخت کنند؛ یعنی چون این بانک‌ها نیز بنگاه اقتصادی هستند و تمایل به حداکثرکردن سود دارند، سود بیشتر را ترجیح می‌دهند و بر این پایه هیچ قراردادی برای دادن تسهیلات با نرخ‌های پایین‌تر از  $m$  نخواهند داشت. بر این پایه اگر این افراد بخواهند از این بانک‌ها تسهیلات دریافت کنند باید تسهیلات با نرخ سود مبادله‌ای دریافت کنند؛ ولی چون نرخ بهره بانک‌های بهره‌ای کمتر است، این افراد تسهیلات دیگر (بیشتر از مقدار  $L$ ) خود را نیز از بانک‌های بهره‌ای با نرخ بهره  $i$  دریافت خواهند کرد. در این حالت اگر بانک‌های با قرارداد مشارکت در سود و زیان، اطلاعات کامل از بازده سرمایه‌گذاری‌ها نداشته باشند، ممکن است به این افراد نیز بر پایه قرارداد مشارکت در سود و زیان تسهیلات پرداخت کنند. نتیجه آن، دریافت سود کمتر از سوی بانک‌های غیر بهره‌ای خواهد بود که به معنای کاهش درآمد و سود این بانک‌هاست.



نمودار ۲: نرخ تسهیلات بانکی در حالت بانکداری دوگانه بهره‌ای و غیر بهره‌ای با نرخ بهره کمتر از  $m$  گروه دوم افراد که عملیات بانک‌های بهره‌ای را حرام می‌دانند، مانند حالت نخست در نرخ سود  $m$  تسهیلات مبادله‌ای از بانک‌های غیر بهره‌ای دریافت خواهند کرد. البته اگر بتوانند در سرمایه‌گذاری‌هایی که بازده آن کمتر از  $R_0$  است (بعد از  $N$  هستند) از طریق قرارداد مشارکت در سود و زیان تسهیلات دریافت می‌کنند؛ درحالی‌که بانک‌های غیر بهره‌ای نیز اگر اطلاعات کامل داشته باشند، به این سرمایه‌گذاری‌ها که برای بانک سود کمتری از  $m$  دارند، تسهیلات مشارکت در سود و زیان پرداخت نخواهد کرد. بر این پایه دو دسته افراد با دو نرخ از دو نوع بانک تسهیلات بهره‌ای و مبادله‌ای (سود ثابت) دریافت خواهند کرد. هزینه پرداختی افرادی که از بانک‌های بهره‌ای تسهیلات دریافت می‌کنند کمتر خواهد شد و سود بیشتری می‌برند.



برای روشن تر شدن موضوع، توضیح کوتاهی درباره حالتی می‌دهیم که نرخ بهره بانکی بیشتر از نرخ تسهیلات مبادله‌ای است. نمودار ۳ را در نظر می‌گیریم. در چنین حالتی افراد دسته دوم که از تسهیلات بانک‌های بهره‌ای استفاده نمی‌کنند، همچنان به بانک‌های غیر بهره‌ای مراجعه می‌کنند و شرایطشان مانند حالت پیشین است. ولی افرادی که بهره را حرام نمی‌دانند و آمادگی دریافت تسهیلات از بانک‌های بهره‌ای دارند نیز به علت اینکه هزینه تسهیلات بانک‌های بهره‌ای بیشتر از تسهیلات با نرخ مبادله‌ای از بانک‌های غیر بهره‌ای است، ترجیح می‌دهند تسهیلات را از بانک‌های غیر بهره‌ای (اسلامی) که هزینه کمتری دارد دریافت کنند؛ به این ترتیب اگر بانک‌های غیر بهره‌ای در دادن تسهیلات محدودیت نداشته باشند، همه تقاضا به سوی این بانک‌ها سوق خواهد یافت و هیچ تقاضایی برای گرفتن تسهیلات از بانک‌های بهره‌ای وجود نخواهد داشت.



نمودار ۳: مدل همگرایی نرخ تسهیلات مشارکت با نرخ تسهیلات مبادله‌ای در حالت بانکداری دوگانه بهره‌ای و غیر بهره‌ای با نرخ بهره بیشتر از  $m$

در این حالت بانک‌های بهره‌ای ناچار خواهند شد نرخ بهره را به پایین‌تر از نرخ سود تسهیلات مبادله‌ای در بانک‌های غیر بهره‌ای بیاورند تا تقاضا به سمت آنها برود. البته در واقعیت وجود تقاضا برای این بانک‌ها به عوامل دیگری مانند باور به حرمت بهره و یکسانی

آن با ربا، ایمان افراد، توانایی بانک‌های غیر بهره‌ای برای دادن تسهیلات، هزینه تسهیلات این بانک‌ها، حجم تقاضای تسهیلات و همچون اینها بستگی دارد. البته اگر اقتصاد باز باشد و بانک‌ها بتوانند تسهیلات خود را با بازارهای جهانی هماهنگ کنند، نرخ بهره‌ای را خواهند داشت که هزینه فرصت یا سطح جهانی است. در این صورت نرخ بهره را کاهش نخواهند داد. از آنجاکه بانک‌های اسلامی نیز مانند هر بنگاه اقتصادی دیگر در پی بیشینه‌کردن سود خود هستند، چنانچه نرخ بهره بانک‌های بهره‌ای که رقیب آنهاست بالاتر باشد و بازده بالاتری به دست آورند، این بانک‌ها نیز نرخ سود تسهیلات خود را بالا خواهند برد. با توجه به اینکه ایمان افراد سبب می‌شود برخی افراد به بانک‌های بهره‌ای مراجعه نکنند و با اندکی نرخ بالاتر به بانک‌های اسلامی با قرارداد سود ثابت مراجعه کنند، به علت این ارزش آفرینی ایمان، نرخ سود تسهیلات بانک‌های موسوم به اسلامی می‌تواند اندکی بیشتر از نرخ بهره باشد. البته مقدار این تفاوت به درجه ایمان افراد باز می‌گردد که توضیح داده می‌شود.

### ۳. اثر درجه ایمان افراد بر گرایش به بانک بهره‌ای

همه فرض‌های پیشین برقرار است. تنها تفاوت دو فرض افزوده شده زیر است:

۱. فتوای غالب حرمت بهره است.
۲. همه افراد ایمان دینی دارند؛ ولی ایمان همه برابر نیست و کم‌وزیاد دارد: از صفر تا صد درصد. چون دیدگاه غالب بر این است که بهره همان رباست، در شرایط برابر بین دو بانک (اگر  $m=i$  باشد) گزینه اول سرمایه‌گذاران با ایمان (هرچند اندک) دریافت تسهیلات از بانک غیر بهره‌ای (اسلامی) است؛ ولی اگر نرخ بهره بانک‌های سنتی کمتر از نرخ سود دریافتی از تسهیلات در بانک‌های غیر بهره‌ای ( $m$ ) باشد (در جایی مانند خط  $i$  در نمودار ۴)، در این صورت افراد با شرایط دیگری روبه‌رو هستند. از یک طرف دریافت تسهیلات از بانک بهره‌ای کم‌هزینه‌تر است و سود آنها را افزایش می‌دهد و از طرف دیگر، این کار می‌تواند مجازات زندگی پس از مرگ را برایشان به همراه داشته باشد.

در این شرایط افراد این دو حالت را ارزیابی می‌کنند و هر یک برایشان رضایت‌خاطر بیشتری به ارمغان بیاورد، آن را برمی‌گزینند؛ چون می‌دانیم درجه ایمان افراد در ارزش‌گذاری رضایت‌خاطر زندگی پس از مرگ به عنوان یک ضریب وارد می‌شود، هر چه ایمان بیشتر

باشد، ارزش رضایت خاطر زندگی پس از مرگ بیشتر در نظر گرفته می‌شود. برای توضیح بهتر فرض می‌کنیم  $m-i$  ارزش ریالی رضایت خاطر ایجاد در دریافت تسهیلات با نرخ  $i$  باشد و ارزش رضایت خاطر آخرتی دریافت نکردن تسهیلات بهره‌ای برابر  $5(m-i)$  باشد.\* در این صورت افراد با دریافت تسهیلات بهره‌ای ارزش معادل هزینه‌ای  $i+5(m-i)$  خواهند داشت؛ ولی هر فرد ارزش رضایت خاطر آخرتی (یعنی  $5(m-i)$ ) را به تناسب درجه ایمانش در محاسباتش وارد می‌کند. شخصی که هیچ ایمان دینی ندارد، این مقدار را در صفر ضرب می‌کند و آن را در محاسبه وارد می‌کند؛ یعنی شیوه محاسبه چنین است:

$$B \times 5(m-i)$$

که  $B$  در آن درجه ایمان است. اگر ایمان صفر باشد، ارزش رضایت خاطر حاصل از دریافت نکردن تسهیلات یادشده برای فرد، به صورت زیر برابر صفر می‌شود:

$$0.0 \times 5(m-i) = 0$$

بر این پایه، اگر نرخ قراردادهای با سود ثابت ( $m$ ) و بیشتر از نرخ بهره بانک‌های سنتی بهره‌ای ( $i$ ) باشد، چنانچه سرمایه‌گذاری چنین فردی بر پایه بازده از نقطه  $O$  تا مقدار  $L$  باشد با بانک‌های سنتی و با نرخ بهره  $i$  قرارداد می‌بندد و اگر بازده سرمایه‌گذاری او کمتر باشد، تمایل دارد با بانک‌های غیر بهره‌ای قرارداد مشارکت ببندد.

اگر ایمان یک سرمایه‌گذار برابر ۲۰ درصد باشد این ارزش برایش می‌شود:

$$0.2 \times 5(m-i) = (m-i)$$

یعنی در این صورت برای این فرد ارزش رضایت خاطر دریافت تسهیلات بهره‌ای از بانک سنتی برابر ارزش رضایت خاطر دریافت تسهیلات از بانک غیر بهره‌ای (اسلامی) خواهد بود. بر این پایه چنین فردی در دریافت این دو نوع تسهیلات بی تفاوت است. اگر سرمایه‌گذاری چنین فردی دارای بازدهی بیش از  $R_0$  باشد؛ یعنی سرمایه‌گذاری او بر پایه بازده در دامنه  $0$

---

\*. در قرآن برای هزینه کردن در راه خدا آمده است که خدا به صورت مضاعفی به افراد پاداش می‌دهد. برخی آن را چند برابر گفته‌اند (حدید: ۱۸). همچنین درباره صدقه نسبت پاداش ۱۰ برابر و در قرض الحسنه نسبت ۱۸ برابر در نقل از امام صادق علیه السلام آمده است. ما فرض کرده‌ایم یک فرد نمونه این پاداش را در ازای ازدست‌دادن سود برای اطاعت از امر خدا ۵ برابر در نظر بگیرد.

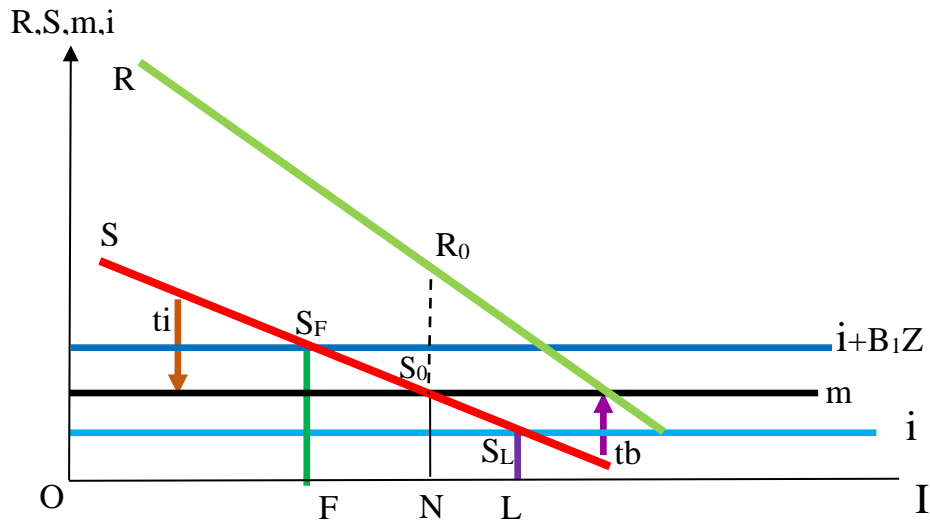
تا  $N$  باشد، از یکی از دو نوع بانک تسهیلات با نرخ ثابت دریافت می‌کند و اگر بازده سرمایه‌گذاری او کمتر باشد، تمایل دارد با قرارداد مشارکت تأمین مالی خود را انجام دهد. اگر فرض کنیم ایمان یک سرمایه‌گذار  $40\%$  درصد است این ارزش برایش می‌شود:

$$0.4 \times 5(m-i) = 2(m-i)$$

به این معنا که هزینه مجازات آخرتی از نگاه این فرد دو برابر اختلاف  $i$  و  $m$  است؛ یعنی این سرمایه‌گذار هزینه دریافت تسهیلات از بانک سنتی با بهره  $i$  را برابر  $i+2(m-i)$  در محاسبات خود وارد می‌کند. این مقدار با خطی مانند  $i+B_1Z$  نشان داده می‌شود. با توجه به این محاسبه، هزینه دریافت تسهیلات از بانک سنتی با بهره  $i$  برای او بیشتر از هزینه دریافت تسهیلات از بانک غیر بهره‌ای با نرخ  $m$  است. بر این پایه چنین فردی برای دریافت تسهیلات به سراغ بانک سنتی نمی‌رود. اگر بازده سرمایه‌گذاری این فرد در مقادیر اولیه سرمایه‌گذاری باشد (او در جایگاهی از  $O$  تا مقدار  $N$  قرار گیرد)، از بانک اسلامی با قرارداد سود ثابت (مبادله‌ای) تسهیلات می‌گیرد و پس از آن تمایل دارد با بانک اسلامی قرارداد مشارکت ببندد. نکته دیگر اینکه مقدار هزینه محاسبه‌شده سرمایه‌گذار برای دریافت تسهیلات از بانک‌های بهره‌ای، یک مقدار بحرانی (به معنای ریاضی) است؛ به این معنا که اگر نرخ تسهیلات مبادله‌ای تا این نرخ افزایش یابد تا نقطه تماس منحنی  $S$  با این خط سرمایه‌گذار تمایل دارد از بانک بدون بهره تسهیلات با نرخ سود ثابت دریافت کند؛ ولی در نرخ‌های بازده کمتر یعنی پس از این نقطه ( $F$ ) تمایل به تسهیلات از بانک سنتی خواهد داشت. پس از نقطه برخورد خط  $i$  با منحنی  $S$  نیز تمایل به قرارداد مشارکت خواهد داشت. بر این پایه هر چه ایمان سرمایه‌گذاران بالاتر باشد بانک بدون بهره می‌تواند نرخ سود تسهیلات با نرخ ثابت و سهم خود در تسهیلات مشارکت را بالاتر ببرد. البته تا اندازه‌ای که بازار کشش داشته باشد؛ یعنی نرخ بازده سرمایه‌گذاری‌ها اجازه بدهد.\*

\*. این اثر مشابه اثر ایمان بر رفتار مصرف‌کننده و تولیدکننده است که در منابع زیر دیده می‌شود:

- عزتی (۱۳۸۲) «اثر ایمان مذهبی بر رفتار مصرف‌کننده»؛  
- عزتی (۱۳۹۳ الف) «الگوی رفتار تولیدکننده باورمند به زندگی پس از مرگ».



نمودار ۴: اثر ایمان سرمایه‌گذار بر نوع تسهیلات دریافتی و نرخ سود پرداختی

### دیگر موانع تسهیلات مشارکت در سود و زیان

تا اینجا بحث ما بر سر این بود که سرمایه‌گذاران توانمند و درستکار که تجربه و توان سرمایه‌گذاری دارند تقاضای تسهیلات می‌کنند. موانع‌های دیگری نیز در این راه وجود دارد. اگر فرض کنیم افراد بخواهند از فضای موجود بانک در قالب قرارداد مشارکت در سود و زیان سوءاستفاده کنند، به آسانی امکان‌پذیر است؛ چون بانک اطلاعات کاملی درباره پروژه ندارد، ولی سرمایه‌گذار اطلاعات بسیار بهتری دارد. سرمایه‌گذار در زمان ارائه تقاضا به بانک، می‌تواند سوددهی پروژه را بالاتر از واقعیت نشان دهد تا بانک را برای مشارکت متقاعد کند. این کار در عمل منجر به سوددهی کمتر از پیش‌بینی طرح پروژه می‌شود، سوددهی بانک را کاهش می‌دهد و برنامه مالی بانک را با کسری مواجه می‌کند. این‌گونه پروژه‌ها نه تنها موجب می‌شود سود بانک کمتر از سود تسهیلات با نرخ ثابت شود که می‌تواند موجب زیان بانک هم در این‌گونه پروژه‌ها بشود.

چون بانک شناخت کافی از متقاضیان تسهیلات ندارد، هر متقاضی به صورت بالقوه می‌تواند مانند این پیشنهاد را ارائه کرده باشد. بر این پایه بانک با مجموعه‌ای از پیشنهادهای

دریافت تسهیلات مشارکت در سود و زیان روبه‌رو است که برخی از آنها این‌گونه هستند. بانک نیز نمی‌داند کدام پیشنهاد و یا حتی چند درصد از پیشنهادها این‌گونه هستند. این شرایط، فضای نااطمینانی بزرگی را در پیش روی بانک قرار داده‌اند. بسیار روشن است که یک بنگاه اقتصادی، حاضر نخواهد بود در شرایطی تا این حد نااطمینان سرمایه‌گذاری کند. در این حالت چون بانک نمی‌تواند این نااطمینانی را برطرف کند، ترجیح خواهد داد چنین قراردادهایی را برای دادن تسهیلات کنار بگذارد. اگر بانک بخواهد فعالیت تسهیلات‌دهی داشته باشد، باید شرایط اطمینان را فراهم کند که ناممکن و یا بسیار پرهزینه خواهد بود و سود تسهیلات را کاهش می‌دهد یا اینکه تسهیلات را با نرخ سود ثابت بدهد. عقلانیت حکم می‌کند در شرایط برابر، دادن تسهیلات کم‌ریسک‌تر یعنی با سود ثابت ترجیح داده شود.

حال فرض می‌کنیم بانک تأمین مالی پروژه‌ای را با قرارداد مشارکت در سود و زیان انجام دهد. دریافت‌کننده تسهیلات پس از دریافت تسهیلات قصد داشته باشد با سندسازی و یا شیوه‌های دیگر پروژه را زیان‌ده نشان دهد تا نه تنها سودی به بانک ندهد، بلکه بخشی از سرمایه بانک را نیز تصرف کند. بسیار روشن است که بانک نمی‌تواند به‌آسانی از این موضوع آگاه شود. اگر بانک بخواهد از مشکل آگاه شود با هزینه بسیار زیاد ممکن است از بخشی از این‌گونه تقلب‌ها آگاه شود که در این صورت هم هزینه این‌گونه تسهیلات‌دهی برای بانک بسیار افزایش می‌یابد و هم نااطمینانی‌های یادشده هرگز به صفر نخواهد رسید. روشن است که با این شرایط، بانک قرارداد سود ثابت را به این قرارداد مشارکت در سود و زیان ترجیح دهد.

سرمایه‌گذاران بی‌تخصص و با ریسک بالا نیز یک مانع دیگر بر سر راه قراردادهای تسهیلات مشارکت در سود و زیان هستند. چنانچه پروژه‌ای با تسهیلات مشارکت در سود و زیان تأمین مالی شده باشد و عامل (سرمایه‌گذار) به هر علت توانایی اجرای درست و سودده آن را نداشته باشد، بانک در این پروژه زیان سنگینی خواهد دید. می‌دانیم که در راه تشخیص توانایی سرمایه‌گذار و نیز ممانعت از دادن تسهیلات به این افراد موانع بسیاری وجود دارد. همه اینها هزینه‌ها و نااطمینانی بانک درباره سوددهی پروژه را افزایش می‌دهد. در برابر این نوع قرارداد، قراردادهای مبادله‌ای با سود ثابت نااطمینانی، هزینه و ریسک بسیار کمتری دارند. این نیز یک علت دیگر برای ترجیح قراردادهای تسهیلات با سود ثابت به تسهیلات مشارکت در سود و زیان است.

افزون بر اینها، بانک می‌تواند در قراردادهای با سود ثابت تضمین‌های غیر موضوع قرارداد را برای اصل و سود تسهیلات، شرط دادن تسهیلات کند، ولی در قراردادهای مشارکت در سود و زیان گرفتن چنین تضمینی موضوعیت ندارد.

## جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

بر پایه آنچه بیان شد، می‌توان گفت اگر بازار بانکی جامعه‌ای در اختیار بانک‌هایی با شیوه‌های بیان‌شده به نام بانکداری اسلامی باشد و آزاد باشند با دو نوع قرارداد با نرخ سود ثابت و قرارداد مشارکت در سود و زیان تسهیلات پرداخت کنند، تمایل عرضه‌کنندگان تسهیلات، یعنی بانک‌ها (که با فلش tb نشان داده شده است) و تقاضاکنندگان تسهیلات، یعنی سرمایه‌گذاران (که با فلش ti نشان داده شده است) به گونه‌ای بازار را به حرکت درمی‌آورد که نرخ حاکم بر قراردادهای تسهیلات، یک نرخ ثابت، مانند نرخ قراردادهای مبادله‌ای باشد. در این شرایط سرمایه‌گذاران در بازده‌های بالا تمایلی به مشارکت ندارند و در بازده‌های پایین دریافت تسهیلات را با قرارداد مشارکت در سود و زیان ترجیح می‌دهند. به علت عدم تقارن اطلاعات و آگاهی بانک از اینکه اطلاعات او نسبت به سرمایه‌گذار کمتر است و بانک می‌داند که سرمایه‌گذار ممکن است از این فرصت برای نفع بیشتر خود بهره‌برداری کند، ریسک بالاتری را برای دادن تسهیلات قراردادهای مشارکت در سود و زیان در نظر خواهد گرفت. با این شرایط تمایل بانک به دادن تسهیلات مشارکت در سود و زیان کمتر می‌شود. در واقع چنین هم خواهد شد که در قراردادهای مشارکت، عایدی بانک کاهش خواهد یافت؛ زیرا نداشتن اطلاعات کامل، ریسک بالا، امکان تقلب از سوی سرمایه‌گذار، امکان دستکاری حساب‌ها و مانند اینها شرایطی را فراهم می‌کند که برطرف کردن کامل این ریسک‌ها برای بانک امکان‌پذیر نیست و همچنین هزینه بالایی به بانک تحمیل می‌کند. بر این پایه در جایی که بانک می‌تواند به هر شیوه‌ای تسهیلات با نرخ سود ثابت بدهد که کم‌ریسک و در نتیجه کم‌هزینه‌تر است، مایل به دادن تسهیلات بر پایه قرارداد مشارکت در سود و زیان نخواهد شد. برآیند این نیروها موجب می‌شود ترجیحات بانک و سرمایه‌گذار تنها در نرخ سود ثابت تسهیلات بر هم منطبق شود. در نتیجه مشارکت در سود و زیان در عمل رخ ندهد. اگر برای

نوعی از فعالیت مانند تولید بانک‌ها مجبور به قرارداد مشارکت در سود و زیان شوند، سه راه در پیش رویشان خواهد بود:

۱. بانک با قرارداد مشارکت در سود و زیان تسهیلات را پرداخت کند و همه هزینه‌های آن را بپذیرد. در نتیجه سود بانک کاهش می‌یابد که با رفتار حداکثرسازی سود در تناقض است و اگر هم مجبور باشد، چون بخشی از این سود، متعلق به سپرده‌گذاران است، مجبور است سود سپرده‌ها را کاهش دهد. در این صورت سپرده‌گذاران تمایلی نخواهند داشت سپرده‌هایشان در این‌گونه قراردادها به کار گرفته شود. سپرده‌ها از بانک خارج می‌شود و به بانک‌هایی می‌رود که سود بیشتری برای آنها فراهم می‌کنند. اگر دادن تسهیلات با قرارداد سود ثابت بتواند سود بانک را افزایش دهد، این بانک نیز تمایل خواهد داشت از این راه منافع خود و سپرده‌گذاران را حداکثر کند.

۲. بانک بکوشد هزینه‌های سنگین خود را به سرمایه‌گذار تحمیل کند. بی‌شک سرمایه‌گذار به تناسب بازده سرمایه‌گذاری در صورت وجود تسهیلات با نرخ سود ثابت این شرایط را نخواهد پذیرفت. اگر سرمایه‌گذار نیز مجبور به قرارداد مشارکت باشد، در عمل کوشش می‌کند هزینه‌ها را به صورت‌های مختلف به بانک منتقل کند؛ چون همه هزینه‌ها، حساب‌ها و عملیات در اختیار سرمایه‌گذار است، می‌تواند این کار را انجام دهد و در چارچوب رفتار عقلانی نتیجه نهایی (جز در حالت استثنا) انتقال هزینه به بانک خواهد شد.

۳. بانک برای فرار از دشواری‌ها، ریسک بالا و هزینه‌های سنگین مشارکت، تنها صوری سازی کند. قرارداد به‌ظاهر مشارکت ببندد، ولی تسهیلات را با نرخ سود ثابت بدهد یا در اولین فرصت مناسب، قرارداد را به فروش اقساطی یا قرارداد سود ثابت دیگری تبدیل کند.

برآیند کلی این فرایند توافق سرمایه‌گذار و بانک بر نرخ سود ثابت خواهد شد. همان‌طور که در عمل نیز می‌بینیم بانک‌های غیر بهره‌ای ترجیح می‌دهند تنها در قراردادهای با نرخ سود ثابت تسهیلات بدهند. همچنین درباره مالزی گفته شد بیش از ۹۹ درصد تسهیلات این بانک‌ها با قرارداد سود ثابت است و قراردادهای مشارکت بسیار ناچیز هستند و نیز درباره ایران که سهم قرارداد مشارکت بیشتر است نیز گفته شد، این قراردادهای



مشارکت صورتی سازی شده است و در عمل همان قرارداد با نرخ سود ثابت است. قراردادهای در بانک‌های ایران که نظام بانکداری یگانه دارد (و نیز بانک‌های غیر بهره‌ای در کشورهای دیگر) به خوبی این را نشان می‌دهند.

اگر بانکداری دوگانه در بازار بانکی جامعه حاکم باشد و نرخ بهره تسهیلات بانک‌های سنتی کمتر از نرخ سود تسهیلات بانک‌های اسلامی باشد، سرمایه‌گذارانی که بهره بانکی را حرام نمی‌دانند و همراه افرادی که آن را حرام می‌دانند، ولی ایمان کمتری دارند، برای دریافت تسهیلات تا جایی که سرمایه‌گذاری آنها بازده بالا دارد (بالاتر از نرخ بهره) به بانک‌های سنتی (بهره‌ای) مراجعه می‌کنند. سرمایه‌گذاران در بازده‌های پایین (پایین‌تر از نرخ بهره) تمایل دارند برای دریافت تسهیلات به بانک‌های دارای قرارداد مشارکت در سود و زیان مراجعه کنند تا با قرارداد مشارکت در سود و زیان، بخشی از ریسک و هزینه را به بانک منتقل کنند. این یک چارچوب عقلانی است که برای حداکثرکردن سود رخ می‌دهد. چون بانک‌ها نیز از این تمایل سرمایه‌گذاران آگاهی دارند، برای حداکثرکردن منافع خود حاضر به دادن تسهیلات مشارکتی نمی‌شوند؛ تنها تسهیلات با نرخ سود ثابت می‌دهند و چون نرخ این تسهیلات بیشتر از نرخ بهره بانک‌های سنتی است، معامله‌ای بین این افراد و بانک اسلامی رخ نمی‌دهد. این افراد همچنان برای تأمین مالی به بانک‌های سنتی مراجعه و از تسهیلات کم‌هزینه‌تر استفاده خواهند کرد. بانک‌های اسلامی نیز همان‌گونه که در بالا گفته شد عمل خواهند کرد. بر این پایه اگر امکان دریافت و پرداخت تسهیلات با نرخ سود ثابت مانند قراردادهای مبادله‌ای وجود داشته باشد، در پروژه‌های با بازده بالاتر از آن نرخ، سرمایه‌گذاران تمایلی به مشارکت ندارند. در پروژه‌های با بازده پایین‌تر از آن نرخ نیز بانک تمایلی به مشارکت ندارد. این موجب می‌شود تمایل دو طرف به مشارکت در این دو دامنه با هم منطبق نشود. تنها نقطه ممکن برای انطباق، سهمی برابر نرخ ثابت موجود در بازار است. افزون بر این مجموعه‌ای از عوامل وجود دارد که تسهیلات مشارکت در سود و زیان را برای بانک پرهزینه، پرریسک و کم‌سود می‌کند. به این علت‌ها با وجود قراردادهای مجاز با نرخ سود ثابت، نمی‌توان انتظار داشت قراردادهای مشارکت در سود و زیان در بازار بانکی رایج شود. اگر اجباری هم به این کار باشد، به علت هزینه‌های بالا، ریسک بالا و سود پایین و نااطمینانی از نیت گیرنده تسهیلات، برای بانک به صرفه است دادن تسهیلات با قراردادهای مشارکت را صورتی سازی کنند.

نکته مهم دیگری نیز در اینجا مطرح است؛ اینکه قراردادهای با سود ثابت فروش اقساطی، اجاره به شرط تملیک و مانند اینها قراردادهای مجاز شرعی است؛ زیرا در حذف ربا، به‌کارگیری همین قرارداد به جای قرارداد وام با ربا کافی است. بر این پایه نباید اصراری باشد که بانک‌ها تسهیلات خود را بر پایه مشارکت در سود و زیان پرداخت کنند؛ به‌ویژه آنکه این قراردادها می‌تواند برای بانک و سپرده‌گذاران هزینه و مشکلات زیادی ایجاد کند و کارایی کمتری داشته باشد. از نگاه دینی افراد در انجام امور جایز هیچ اجباری ندارند؛ زیرا بر پایه احکام دینی اجبار افراد به یک عمل مجاز، جایز نیست. ضمناً باید بانک‌ها نیز آزاد باشند تا هر نوع قراردادی را که ربا نباشد و صلاح می‌دانند، تنظیم کنند؛ به‌ویژه آنکه این قراردادها کارایی بیشتری دارند و برای همه ذینفعان آسان‌تر است. نکته مهم اینکه چنان‌که نمونه‌های آن اشاره شد، در جامعه‌هایی که بانک‌های اسلامی و افراد در بستن نوع قرارداد آزاد هستند، افراد و بانک ترجیح می‌دهند قرارداد با نرخ سود ثابت را برگزینند.

### منابع و مأخذ

۱. احمدی حاجی‌آبادی، سیدروح‌الله و بهاروند، احمد (۱۳۸۹). راهکارهای اجرای صحیح عقدهای مشارکت در نظام بانکی ایران. *فصلنامه اقتصاد اسلامی*، ۱۰ (۳۸)، ۱۱۹-۱۴۶.
۲. اکبریان، رضا و رفیعی، حمید (۱۳۸۶). بانکداری اسلامی: چالش‌های نظری - عملی و راهکارها. *فصلنامه اقتصاد اسلامی*، ۷ (۲۶)، ۹۷-۱۱۸.
۳. الجمال، محمود (۱۳۸۲). امکان استمرار بانکداری اسلامی. ترجمه علی‌اصغر هادوی‌نیا، *فصلنامه اقتصاد اسلامی*، ۳ (۹)، ۱۰۷-۱۲۷.
۴. بانک مرکزی ج.ا.ا. (۱۴۰۲). گزیده آمارهای اقتصادی، بخش پولی و بانکی.
۵. صادقیان، عباس، شیری، فتاح، عباسی، مجتبی و نیکروش، سعیده (۱۳۹۷). بررسی عقد مشارکت در سیستم بانکی ایران. *فصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران*، ۱ (۴)، ۴۶۶-۴۵۱.
۶. عبداللهی، محسن و موسویان، سید عباس (۱۳۹۲). تبیین آسیب‌های اجرای عقود بانکی در کشور، رهیافتی برای تحقق اقتصاد مقاومتی، *فصلنامه بهبود مدیریت*، ۷ (۲۰)، ۱۱۵-۱۴۲.
۷. عزتی، مرتضی (۱۳۸۲). اثر ایمان مذهبی بر رفتار مصرف‌کننده. *فصلنامه اقتصاد اسلامی*، ۳ (۱۱)، ۱۱-۳۴.

۸. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۳ الف). الگوی رفتار تولیدکننده باورمند به زندگی پس از مرگ. *فصلنامه اقتصاد اسلامی*، ۱۴ (۵۴)، ۳۵-۷۱.
۹. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۳ ب). الگوی تخصیص زمان به کردار در راه خدا، کار و استراحت. *فصلنامه اقتصاد اسلامی*، ۱۴ (۵۶)، ۹۵-۱۲۸.
۱۰. کاظمی نژاد، فاطمه (۱۳۸۸). تفاوت توزیع ریسک در دو نظام بانکداری اسلامی و بانکداری متعارف. *بانک و اقتصاد (ویژه هفته بانکداری)*، ۱۰۱، ۳۴-۴۴.
۱۱. کریمی، عباس و مرادی، یاسر (۱۳۹۴). سوءاستفاده از شروط قراردادهای مشارکت مدنی در بانکداری اسلامی و مطالعه تطبیقی با آموزه‌های دایرکتیو اتحادیه اروپا. *فصلنامه مطالعات مالی و بانکداری اسلامی*، ۱ (۱)، ۳۹-۷۰.
۱۲. مجتهد، احمد و حسن‌زاده، علی (۱۳۸۴). *پول و بانکداری و نهادهای مالی*. تهران، پژوهشکده پولی و بانکی، بانک مرکزی ایران.
۱۳. موسویان، سیدعباس (۱۳۸۶). نقد و بررسی قانون عملیات بانکی بدون ربا و پیشنهاد قانون جایگزین. *فصلنامه اقتصاد اسلامی*، ۷ (۲۵)، ۹-۳۶.
۱۴. نصرآبادی، داوود و شعبانی، احمد (۱۳۸۷). چالش‌های بانک در اجرای قرارداد مشارکت در سود و زیان و راهکارهای آن. *فصلنامه مطالعات اقتصاد اسلامی*، ۱ (۱)، ۷۷-۱۱۲.
۱۵. نظر پور، محمدتقی و اولاد، مریم (۱۳۹۷). اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر کزگزینی و کزمنشی در بانکداری بدون ربا (مطالعه موردی بانک صنعت و معدن). *فصلنامه اقتصاد اسلامی*، ۱۸ (۶۹)، ۱۷۳-۱۹۹.
۱۶. نظری، حسن آقا (۱۳۸۷). نظریه مشارکت در سود و زیان، چالش‌ها و راهکارها. *فصلنامه اقتصاد اسلامی*، ۸ (۲۹)، ۶۳-۷۹.
17. Bank Islam Malaysia Berhad (2023). Integrated annual report 2022, p.66-67.
18. Ezzati, Morteza (2019). Contributing factors on the allocation of funds in the Islamic society: The case of financing tools for Islamic banks. *Journal of Islamic Marketing*, 10 (4), 1074-1090, ©Emerald Publishing Limited, DOI 10.1108/JIMA-02-2017-0017.
19. Widarjono, Agus & Rafik, Abdur (2023). Do Islamic banks have

their benchmarks for financing rates in the dual-banking system?,  
Cogent Economics & Finance, 11 (1), 2209954, DOI:  
10.1080/23322039.2023.2209954. To link to this article:  
<https://doi.org/10.1080/23322039.2023.2209954>

20. Karbhari, Yusuf , Naser, Kamal & Shahin, Zerrin (2004). Problems and Challenges Facing the Islamic Banking System in the West: The Case of the UK. *Thunderbird International Business Review*, 46 (5), 521-543.
21. Sarker, Abdul Awwal (2004a). Concept and ideology, Issues and problems of Islamic banking. *International Journal of Islamic Financial Services*. 1 (3), <https://sid.ir/paper/580945/en>.
22. Sarker, Abdul Awwal (2004b). Islamic banking in Bangladesh: Performance, problems & prospects. *International Journal of Islamic Financial Services*. 1 (3), <https://sid.ir/paper/573647/en>.